

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Analysis of the Quality of Arthur Pope's Knowledge about Iranian
Architecture Based on His Written Histographical Works
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

واکاوی کیفیت شناخت آرتور پوپ از معماری ایران با استناد به آثار مکتوب تاریخ‌نگاری او*

سودابه ادیب‌زاده^۱، محسن عباسی هرفته^{۲*}، احمد امین‌پور^۳

۱. کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۲. دکتری مرمت، استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، ایران.
۳. دکتری معماری، دانشیار دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۰

چکیده

بیان مسئله: تاریخ‌نگاری معماری در ایران، همچون سایر حوزه‌های مبانی نظری معماری، به جایگاهی شایسته دست نیافته است، و از سوی دیگر آثار تاریخ‌نگاری موجود نیز آن قدر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند که از این رهاورد داشته‌ها و نداشته‌های این حوزه مشخص شود و مسیر تاریخ‌نگاری معماری ایران روشن‌تر شود. لذا بررسی آثار تاریخ‌نگاری معماری امری ضروری به نظر می‌رسد؛ این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل است: «آرتور پوپ» با چه نگرش‌ها و روش‌هایی به شناخت معماری ایران پرداخته است؟ این روش‌ها و نگرش‌ها در چه زمینه‌ها و بستری شکل گرفته‌اند؟ و حاصل به‌کارگیری این روش‌ها و نگرش‌ها در شناخت معماری ایران چه بوده است؟

هدف پژوهش: هدف از این پژوهش بررسی آثار مکتوب آرتور پوپ به‌منظور شناخت نگرش‌ها و روش‌های او و نیز دستاورد او در به‌کارگیری آن‌ها برای شناخت معماری ایران است.

روش پژوهش: به‌منظور دستیابی به این هدف، نظریه زمینه‌ای یا گراند تئوری به‌عنوان روش پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: نتیجه حاصل بیانگر آن بود که آرتور پوپ، متأثر از اقتضات زمانه و نیازهای تاریخ‌نگاری معماری ایران در آن دوره زمانی، نگرش‌ها و روش‌هایی را در شناخت معماری ایران به کار گرفت و با کمک آن تاریخ‌نامه‌ای از معماری ایران ارائه داد که اگرچه بیشتر معطوف به جنبه‌های کالبدی معماری ایران است، اما به‌جز کالبد به وجوه دیگری از معماری ایران چون فضا و زمینه‌های شکل‌گیری نیز تا اندازه‌ای توجه دارد، و تاریخ‌نگاری معماری او بیش از تاریخ‌نگاران هم‌دوره خود واجد رنگ و بویی معمارانه است. او همچنین بیش از دیگران تلاش کرد تا نگاهش را به نگاه انسان ایرانی نزدیک کند؛ لذا می‌توان پوپ را تاریخ‌نگاری دانست که، با در نظر گرفتن اقتضات زمانه‌اش، به‌نحوی قابل قبول برای نگارش تاریخ‌نامه‌ای درباره معماری ایران تلاش کرد.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری معماری، نگرش تاریخ‌نگار، روش تاریخ‌نگار، آرتور پوپ.

دکتر «محسن عباسی هرفته» و دکتر «احمد امین‌پور» در سال ۹۵ در دانشگاه هنر اصفهان ارائه شده است.
** نویسنده مسئول: ۹۹۱۳۳۵۱۳۰۵۲ ، abbasi@yazd.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد «سودابه ادیب‌زاده» با عنوان «معماری ایران (در دوره اسلامی) از دیدگاه تاریخ‌نگاران معماری غربی با تمرکز بر آثار تاریخ‌نگاران غربی تأثیرگذار دوره پهلوی» است که به راهنمایی

مقدمه و بیان مسئله

بخش‌هایی از آن، ضمن معرفی آثار آرتور پوپ و قراردادن آثار او در دسته مطالعات ایران‌شناسی، برخی شیوه‌ها و دستاوردهای او در نگاشت تاریخ معماری ایران، به‌صورت خلاصه، معرفی و نقد می‌شود (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴، ۱۸۹-۲۳۸). بررسی این پژوهش‌ها بیانگر آن است که پژوهش‌های نام‌برده غالباً بسیار کلی هستند و زمینه‌های شکل‌گیری آثار پوپ از محورهای اساسی آن‌ها نبوده و روش تاریخ‌نگاری آرتور پوپ به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر کار او مورد غفلت واقع شده است. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد تا با بررسی بستر حضور این تاریخ‌نگار در ایران و نگرش‌ها و روش‌هایی که به کار گرفته است دستاورد تاریخ‌نگاری او را مشخص کند.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کیفی و به شیوه نظریه‌زمینه‌ای یا گرند تئوری^۱ است. نظریه‌زمینه‌ای، که نظریه‌ای است برگرفته از داده‌هایی که در طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل می‌شوند، برای موضوعی چنین بکر بسیار مناسب به نظر می‌رسد. در این پژوهش، که به کندوکاو در متون تاریخ‌نگاری آرتور پوپ پرداخته، استخراج داده‌ها بخش بزرگی از فرایند پژوهش را تشکیل داده است. به این منظور، یافته‌اندوژی به‌صورت مستمر و به شیوه کتابخانه‌ای از منابع مکتوب صورت گرفت و جمع‌آوری داده‌ها تا انتهای تحقیق و مرحله اشباع نظری ادامه یافت. این روش امکان تجزیه و تحلیل داده‌ها را از طریق مفهوم‌پردازی و طبقه‌بندی داده‌ها به‌صورت انواع کدگذاری باز و مقوله‌پردازی (جدول ۱) و (جدول ۲)، کدگذاری محوری (جدول ۳) و کدگذاری گزینشی (جدول ۴) فراهم آورده است. به‌منظور روشن‌تر شدن موضوع بخشی از فرایند کدگذاری در جداول زیر آورده شده است:^۲

سه محور اصلی این پژوهش عبارت است از نگرش‌ها و روش‌های آرتور پوپ در شناخت معماری ایران، زمینه‌های شکل‌گیری‌شان و دستاوردهای او در به‌کارگیری آن‌ها برای شناخت معماری ایران (تصویر ۱).

در این پژوهش، در مراحل مختلف تجزیه و تحلیل، از نرم‌افزار پژوهشی کیفی «مکس کیو. دی. ای.» (MAXQDA) استفاده شده است. این نرم‌افزار، علاوه بر تسهیل فرایند کدگذاری، با بهره‌گیری از خروجی‌های گرافیکی فرایند تحلیل را آسان‌تر می‌کند.

یافته‌های پژوهش

• نگرش‌ها و روش‌های آرتور پوپ در تاریخ‌نگاری

شناختی که به‌وسیله تاریخ‌نگاران از معماری ایران حاصل شده کم‌وبیش متأثر از روش و نگرشی است که آنان در برخورد با معماری ایران به کار برده‌اند، چنانکه می‌توان گفت بررسی

آثار معماری هر سرزمین به‌نوعی نشان‌دهنده فرهنگ و اندیشه مردمان آن سرزمین است و از همین جهت است که شاهد آنیم که مباحث نظری در باب معماری، علی‌رغم آن‌که در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، در کشورهای غربی جایگاهی ویژه دارند. با مقایسه‌ای میان آثار مرتبط با این حوزه در ایران و غرب، این کمبود توجه بیشتر جلوه‌گر می‌شود. تاریخ و تاریخ‌نگاری معماری به‌عنوان یکی از مباحث نظری در حوزه معماری نیز مشمول این حکم است و بیشتر کوشش‌های جستجوگریده در این راستا توسط تاریخ‌نگاران غیرایرانی صورت پذیرفته است، هرچند فرایند تاریخ‌نگاری معماری ایران، که به پیشگامی تاریخ‌نگارانی چون آرتور پوپ آغاز شده بود، هیچ‌گاه مسیر تکامل را طی نکرده و در میانه راه متوقف مانده است. از این‌رو، و در مقایسه با تجارب تاریخ‌نگاری کشورهای غربی، تاریخ‌نگاری معماری در کشور ما همچنان در مراحل ابتدایی خود به سر می‌برد. با این وصف، در مسیر پیشبرد تاریخ‌نگاری معماری ایران، شناخت، بررسی و نقد آثار تاریخ‌نگاری و شیوه‌هایی که این تاریخ‌نگاران تا به امروز در نگارش تاریخ معماری ایران مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند، با نگاهی درونی و برآمده از جهان‌بینی ایرانی، ضروری به نظر می‌رسد. هدف از این پژوهش نقد و بررسی آثار تاریخ‌نگاری آرتور آپهام پوپ به‌عنوان یکی از تاریخ‌نگاران پیشگام در نگاشت تاریخ معماری ایران و بررسی کیفیت شناخت او از معماری ایران است.

مبانی نظری پژوهش

پژوهش در باب روش‌های تاریخ‌نگاری معماری ایران و نقد تاریخ‌نامه‌ها اندک است، و به همین قیاس پژوهش‌های صورت‌پذیرفته در باب تاریخ‌نگار مورد بررسی در این پژوهش اندک‌تر است. در یکی از این پژوهش‌های معدود، پژوهشگر نگاه پوپ به معماری و تاریخ معماری را نگاهی چندجانبه و شامل رویکردهای تاریخی، کالبدی و باستان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و رویکرد معمارانه معرفی می‌کند. سپس به معرفی برخی نظریات پوپ در باب معماری ایران، شامل استمرار و پیوستگی در تاریخ معماری ایران، تعامل معماری ایران با دیگر تمدن‌ها، و آرایه‌ها و هنرهای وابسته به معماری می‌پردازد (طهماسبی، ۱۳۸۶). در پژوهشی دیگر، که در آن با نگاهی انتقادی به بررسی کتاب «معماری ایران» آرتور پوپ پرداخته شده، پژوهشگر در ابتدا مفروضات و روش پوپ را، که از خلال متون او در کتاب مذکور استخراج کرده است، معرفی می‌کند، سپس به بررسی ساختار و وصف محتوا و ذکر ویژگی‌های کتاب می‌پردازد (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۴). پژوهش دیگری با محوریت تاریخ‌شناسی معماری ایران انجام شده است که در

می‌شود. از سوی دیگر، شکل‌گیری نگرش و انتخاب روش تاریخ‌نگار متأثر از همین زمینه‌هاست. به‌علاوه، چنانکه گفتیم، نگرش تاریخ‌نگار هم بر انتخاب روش او در شناخت معماری تأثیرگذار است و هم در حین شناخت و به‌کارگیری روش بر تعبیرها، برداشت‌ها و تفسیرهای او اثر می‌گذارد. بر این اساس، نگرش‌ها و روش‌های تاریخ‌نگار از عوامل تأثیرگذار در شناخت او نسبت به موضوع مورد مطالعه‌اش است. برای پیگیری نحوه این تأثیرات، به بررسی زمینه‌های حضور و کار آرتور پوپ در ایران پرداخته می‌شود.

• شرایط سیاسی و اجتماعی سرزمین ایران

آرتور پوپ، به‌عنوان یکی از پیشگامان حوزه تاریخ‌نگاری معماری ایران، در زمانی قدم به ایران گذاشت که مردم عامی آگاهی کمی نسبت به ارزش بناهای تاریخی ایران داشتند. پیش از آن و در زمان حکومت قاجار، حکومت نیز به آثار تاریخی بی‌توجه بود و مفهومی به نام میراث فرهنگی تعریف نشده بود و حتی شاهان قاجار فروش آثار تاریخی به خارجیان را منبع درآمدی برای خود قرار داده بودند، تا آنجا که «مظفرالدین شاه با انعقاد قرارداد ۱۹۰۰، حق انحصاری فعالیت‌های باستان‌شناسی را به مدت ۶۰ سال به دولت فرانسه داد. مجموعه این سهل‌انگاری‌ها، و به‌خصوص قرارداد ۱۹۰۰، باعث خشمگین‌شدن ملی‌گرایان و روشنفکران شد» (مهدی‌زاده و حناچی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، روی کارآمدن حکومت پهلوی با اوج‌گیری اندیشه ملی‌گرایی همراه بود و رضاشاه نیز، متأثر از شرایط، ملی‌گرایی را شعار محوری حکومت خود کرده بود، چیزی که به شکل‌گیری

یک اثر معماری با دو روش و نگرش متفاوت نتایج گوناگونی در پی داشته است. این از آن روست که «مورخان، قبل از پژوهش تاریخی، تابع دیدگاهی معین در تعریف معماری و اثر معماری‌اند، به‌طوری‌که آن دیدگاه، چون دانشی پیشین، نگرش ایشان را به تاریخ و آثار تاریخی تعیین می‌کند» (خوئی، ۱۳۸۵). بنابراین نگرش تاریخ‌نگار عینکی است که تاریخ‌نگار از پشت آن به کلیات و جزئیات موضوع مورد مطالعه‌اش می‌نگرد. «تاریخ کوشش نقادانه به‌منظور فهم محاسن و معایب گذشته است؛ کوششی که پویاست نه ایستا؛ بنابراین حال و هوای امروز خود در جریان مطالعه تاریخی دخالت می‌کند و بر شیوه درک ما از گذشته اثر می‌گذارد و تاریخ را در مقابل چشم ما پدیدار می‌کند ... تاریخ معماری، مانند همه شاخه‌های تاریخ، مبحثی منجمد و لایتغیر نیست. غالب اوقات، تفاسیر تاریخی از اساس دچار تغییر می‌شوند. با پیداشدن شواهد تازه و با مداخله نگاه امروز، وقایع تاریخی در پرتو نور تازه‌ای قرار می‌گیرد. تاریخ‌نگاری مطالعه سیر تحول تفاسیر تاریخی در هر دوره تاریخی معین است. با تغییر ذائقه‌ها در طی هر دوره، تفاسیر موجود از وقایع مهم معماری کاملاً دگرگون می‌شود» (کانوی و رونیش، ۱۳۸۴). پس شناخت نگرش تاریخ‌نگار در شناختن وجهی از معماری که او به آن‌ها توجه کرده و وجهی که نادیده‌شان گرفته یاریگر است.

• زمینه‌های شکل‌گیری نگرش پوپ

در نقد و بررسی آثار تاریخ‌نگاری، درک درست زمینه‌ها منجر به نقدی همه‌جانبه و تحلیل‌هایی دقیق‌تر و منصفانه‌تر

جدول ۱. فرایند کدگذاری: کدگذاری باز. مأخذ: نگارندگان.

منبع	داده	مفهوم	مرحله
معماری ایران	«معماری ایران بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد، دست‌کم از ۵۰۰۰ ق.م. تا به امروز، با نمونه‌های اختصاصی که در ناحیه پهنای از سوریه تا شمال هند و مرزهای چین، قفقاز تا زنگبار، پراکنده است ...» (پوپ، ۱۳۹۰، ۹).	پیوستگی و تداوم معماری ایران	کدگذاری باز
معماری ایران	«برخی عناصر طراحی در معماری ایران بیش از ۳۰۰۰ سال دوام یافت. تکان‌دهنده‌ترین جنبه این عناصر تمایلی نمایان به عظمت مقیاس‌ها، بهره‌گیری هوشمندانه از شکل‌های ساده و حجیم، پایداری کاملاً خیره‌کننده سلیقه‌های تزئینی یعنی سردرهایی با طاق بلند در فرورفتگی دیوارها، ستون‌هایی با سرستون‌های مشتکی و انواع تکراری نقشه و نما بود ... در طی اعصار، این عناصر در اقسام بناهایی تکرار شد که برای منظرهای متفاوت و تحت حمایت سلسله‌های متعددی از فرمانروایان تکوین یافت» (همان، ۱۰).	تداوم الگوها	کدگذاری باز
سیری در هنر ایران	«مسجد علیشاه، هرچند با درنگ و لکت، با صدای اصیل ایران سخن می‌گوید و دیگر بار در خود مقیاس تخت جمشید هخامنشی، شهادت و حجم عظیم طاق کسرای ساسانی، را دربردارد» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۲۶۵).	تداوم الگوها	کدگذاری باز
سیری در هنر ایران	«فتح اسلامی تغییر بیشتری در ایران پدید آورد تا مثلاً استیلای نرمان‌ها بر انگلستان ... برتری فرهنگی ایرانیان و مباحثات به نهادهایشان دست به دست هم دادند تا سنت‌ها و رسوم کهن را نگه دارند» (همان، ۱۱۲۱).	تداوم سنت‌ها	کدگذاری باز
معماری ایران	معماری ایران دارای استمراری بوده که هرچند بارها بر اثر کشمکش‌های داخلی یا هجوم خارجی دستخوش فترت یا انحراف موقتی شده، با این همه به سبکی دست یافته که با هیچ سبک دیگری قابل اشتباه نیست. این مطلب، حتی در مواردی هم که جزئیات بر اثر ضرورت یا اوضاع و احوال تغییر کرده، باز درست است.	تداوم سبک	کدگذاری باز

و دیگر داده‌ها ...

جدول ۲. فرایند کدگذاری: مقوله‌پردازی. مأخذ: نگارندگان.

مفهوم	مقوله
پیوستگی و تداوم معماری ایران	تداوم معماری ایران
تداوم الگوها	
تداوم سنت‌ها	
تداوم سبک	
تداوم سازه	
تداوم نمادها	
و دیگر مفاهیم ...	

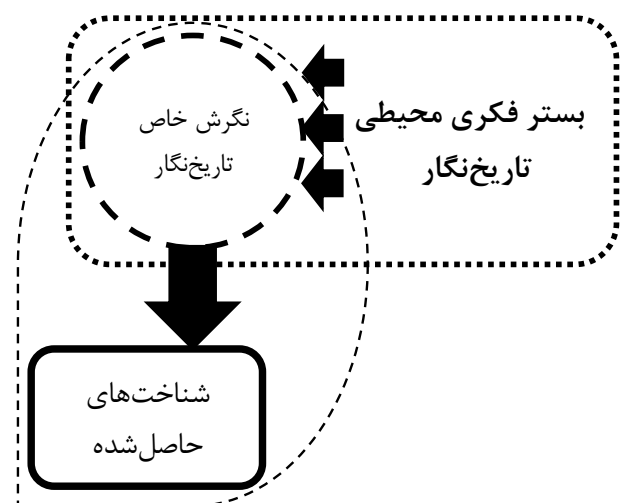
جدول ۳. فرایند کدگذاری: کدگذاری محوری. مأخذ: نگارندگان.

مرحله کدگذاری	مقوله	کدهای محوری
کدگذاری محوری	تداوم معماری ایران	زمینه‌های حضور آرتور پوپ (تأثیر اندیشه‌های ملی‌گرایانه)

جدول ۴. فرایند کدگذاری: کدگذاری گزینشی. مأخذ: نگارندگان.

مقوله هسته‌ای	کدهای محوری
کیفیت شناخت آرتور پوپ از معماری ایران	تأثیر زمینه‌های حضور آرتور پوپ بر کیفیت شناخت او
	تأثیر روش‌های شناخت آرتور پوپ بر کیفیت شناخت او
	تأثیر نگرش آرتور پوپ بر کیفیت شناخت او

نیاز به شناخت تمدن گذشته و بازتعریف هویت فراموش شده انجامید؛ بنابراین نظریات ملی‌گرایان و روشنفکران با سیاست‌های حکومت وقت هم‌سو افتاد و از این روی ایشان امکان یافتند که برای شناخت، معرفی و حفاظت آثار تاریخی ایران رسماً فعالیت کنند و تأسیس «انجمن آثار ملی»، به فاصله دو سال پس از روی کار آمدن رضاشاه در سال ۱۳۰۱، اقدامی در جهت رسمیت بخشیدن به این فعالیت‌ها بود. باید تأکید کرد که این روشنفکران و ملی‌گرایان، هم‌صدا با حکومت وقت و مواضع سیاسی آن، نسبت به حکومت قاجار و حتی دوره تاریخی قاجاریه بدبین و کینه‌ورز بودند و همین طرز نگاه در ادامه به نادیده گرفتن ارزش‌های تاریخی معماری قاجار منجر شد. از جمله فعالیت‌های انجمن آثار ملی برای شناخت، حفظ و نگهداری آثار تاریخی ایران، دعوت از کارشناسان غربی این حوزه بود. این کارشناسان با ورود به ایران به استخدام دولت درآمدند و مورد حمایت قرار می‌گرفتند. به این شکل، «هرتسفلد» در سال ۱۳۰۶ و «آندره گدار» در سال ۱۳۰۷ به استخدام دولت ایران درآمدند. پیش از آن‌ها در سال ۱۳۰۴ آرتور پوپ به دعوت «حسین علاء» (از سیاستمداران بلندپایه و جزو نخستین دعوت‌کنندگان از کارشناسان غربی) به ایران آمده و به این نحو فعالیت کارشناسان غربی به‌منظور شناخت، معرفی و محافظت آثار تاریخی ایران آغاز شده بود. آرتور پوپ، با ورود به ایران، خود را دل‌بسته ایران و هنر ایرانی نشان داد و با سخنرانی‌ای پر حرارت در منزل «سردار اسعد» (از سیاستمداران و ملی‌گرایان بنام) در جمع روشنفکران و چهره‌های شاخص سیاسی کشور و البته رضاشاه، که در آن زمان هنوز سمت نخست‌وزیری داشت، توانست از طریق برانگیختن هر چه بیشتر حس ملی‌گرایی نقش مهمی در جلب توجه آنان به اهمیت آثار تاریخی ایفا کند.^۳ این شورانگیزی به‌اندازه‌ای بود که رضاحان، فقط سه روز پس از سخنرانی پوپ، به اصفهان سفر کرد و به استاندار اصفهان دستور مرمت و تعمیر مساجد را داد. در ادامه اقدامات صورت گرفته برای حمایت از آثار تاریخی ایران «در سال ۱۳۰۳ ه.ش. رضاشاه، طی بازدید از شوش، متوجه امتیاز انحصاری حفاری‌های باستان‌شناسی فرانسوی‌ها در ایران شد» (غلام‌دوست، ۱۳۹۱). این موضوع به همراه فعالیت روشنفکران و ملی‌گرایان منجر شد تا مجلس شورای ملی، در ۲۵ مهر ۱۳۰۶، امتیازنامه‌های پیشین فرانسوی‌ها را لغو کند. در ادامه روند حمایت‌گری از آثار تاریخی، «تصویب قانون عتیقه‌جات در سال ۱۳۰۹ دولت را مکلف به ثبت آثار شایسته در فهرست میراث ملی نمود» (مهدی‌زاده و حناچی، ۱۳۹۵). بنابراین نخستین گام‌ها در آغاز مسیر شناخت و حفاظت آثار تاریخی ایران برداشته می‌شد و آرتور پوپ نیز خود بخشی از این فرایند بود. در ادامه نیز «به توصیه حسین علاء، رضاشاه در برابر منع مذهبی و بدگمانی عموم ایستاد و اجازه داد تا



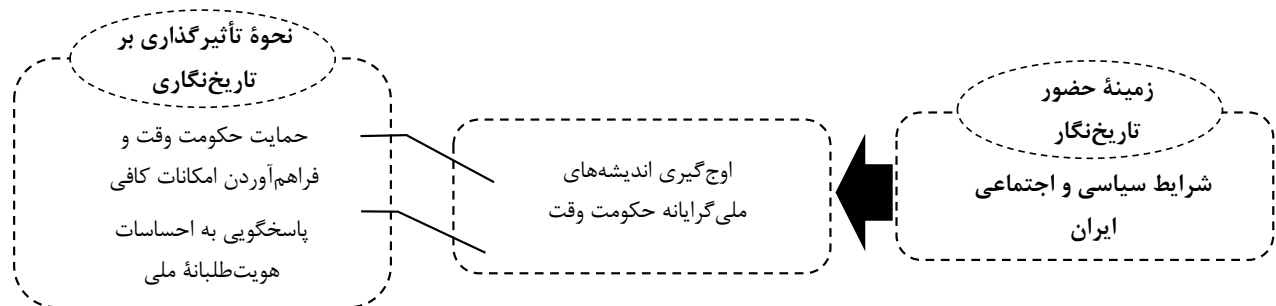
تصویر ۱. ارتباط محورهای اصلی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

از نظر او، معماری ایران از آغاز شکل‌گیری‌اش سیری پیوسته به مدت شش هزار سال داشته است؛ الگوهایی کهن (شامل نقشه‌ها، طرح‌ها و عناصر) در معماری ایران وجود دارند که هیچ‌گاه فراموش نشده‌اند و در طول تاریخ معماری ایران، حتی با گذشت قرن‌ها، همواره تکرار شده‌اند. به همین شکل، برخی نمادها و عناصر نمادین در معماری ایران و در تزئیناتش، در گذر تاریخی این معماری، همواره تداوم داشته و تکرار شده‌اند. از نظر او، معماری ایران در طول قرن‌ها فرمی مشخص و قابل شناسایی پیدا کرده که شامل اشکال ساختمانی ساده و بزرگی است که با آرایش و رنگ غنا یافته‌اند (پوپ، ۱۳۹۰، ۹-۱۰).

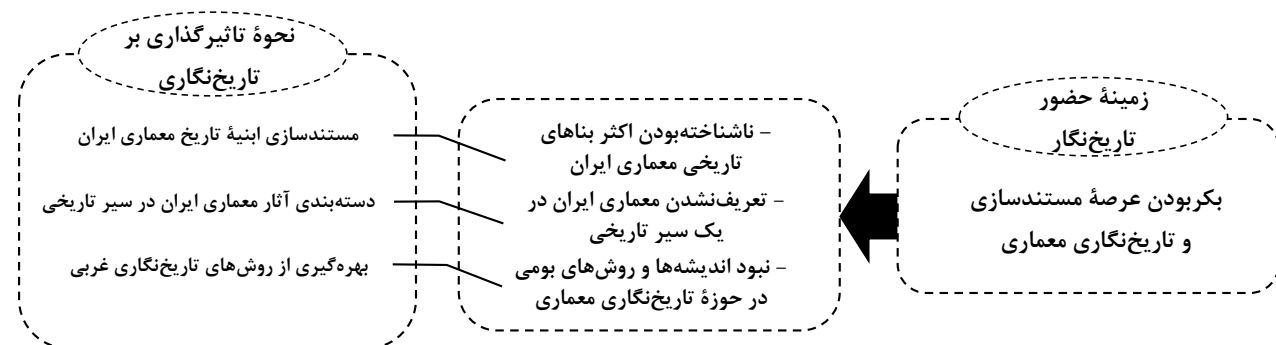
• **بکر بودن عرصه مستندسازی و تاریخ‌نگاری در ایران**
زمینه دیگر بکر بودن عرصه تاریخ‌نگاری معماری در ایران در زمان آغاز به کار آرتور پوپ است (تصویر ۳). او از نخستین تاریخ‌نگاران غربی است که به صورت مدون دست به نگارش تاریخ‌نامه‌ای در باب معماری ایران زد؛ بنابراین انبوهی از بناهای ناشناخته و بعضاً در معرض تخریب و نیازمند ثبت و ضبط در پیش روی او قرار داشت. از سوی دیگر، از آنجا که تا زمان پوپ تاریخ معماری ایران در یک سیر تاریخی پیوسته مورد مطالعه واقع نشده بود، وی بنا به گفته خودش بررسی سیر تحول معماری ایران را ضروری می‌دانست (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۱۱۳-۱۱۱۴).

از نگاهی دیگر، بکر بودن عرصه تاریخ‌نگاری معماری ایران

پوپ و همراهانش به مساجد و بناهای مذهبی وارد شوند و پژوهش‌ها و عکس‌برداری‌های لازم را انجام دهند. اقدامات وی سبب شناسایی بسیاری از آثار تاریخی ایران شد. وی بیش از ده هزار قطعه عکس از آثار معماری ایران فراهم کرد که با آن‌ها نمایشگاه‌های متعددی در سراسر دنیا برگزار شد (میرسعیدی، ۱۳۷۵، ۲۸۵۴). بنابراین هم‌سویی مطالعات پوپ با سیاست‌های ملی‌گرایانه حکومت وقت موانع زیادی را از پیش پای او برداشت و امکانات مناسبی را در اختیار او قرار داد (تصویر ۲). همچنین باید گفت که متقابلاً تأثیرات گفتمان ملی‌گرایی نیز در آثار او قابل پیگیری است. به‌عنوان نمونه، از تأثیرات گفتمان ملی‌گرایی، می‌توان تأکید پوپ بر پیوستگی سیر معماری ایران و هویت واحد آن در گذر قرن‌ها و عدم گسست آن پس از دوران اسلامی و همین‌طور تعامل معماری ایران با دیگر نقاط جهان و نقش تأثیرگذار معماری ایران بر شکل‌گیری معماری جهان اسلام را نام برد؛ بنابراین پوپ با معماری دوران اسلامی ایران آن‌گونه که برخی تاریخ‌نگاران آن را تحت عنوان معماری اسلامی، و مستقل از معماری پیش از اسلام، مورد مطالعه قرار می‌دهند برخورد نمی‌کند. او به هویت مستقل برای معماری ایران، به‌ویژه برای معماری ایران در دوران اسلامی، معتقد است. هرچند او تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را یکی از ویژگی‌های معماری ایران معرفی می‌کند، اما از نگاه او معماری ایران واجد هویتی مستقل بوده که از آغاز تا پایان آن را حفظ کرده است.



تصویر ۲. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها (حاصل از فرایند بررسی کدها در شیوه نظریه زمینه‌ای) بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها (حاصل از فرایند بررسی کدها در شیوه نظریه زمینه‌ای) بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

ایران، فاصله زیادی دارد. به همین دلیل است که گاه تحلیل‌ها و تفاسیر تاریخ‌نگاران از فرهنگ و معماری ایران، به تبع این تفاوت در زاویه دید، دچار اختلاف زیادی با واقعیت می‌شود. آسیب دیگر کار ایران‌شناسان غربی عدم توجه به زمینه‌ها و به‌جای آن توجه زیاد به جزئیات است (همان)، امری که به بررسی آثار تاریخی با نگاهی محصول‌گرایانه و جزئی‌نگرانه منجر شده است. با بررسی سه آسیب عمده کار ایران‌شناسان، باید دید که تاریخ‌نگاری آرتور پوپ تا چه اندازه تحت تأثیر این نوع نگرش قرار گرفته است.

آرتور پوپ را می‌توان تاریخ‌نگاری معرفی کرد که کمتر تحت تأثیر اندیشه‌های جریان شرق‌شناسی واقع شده است. با بررسی آثار پوپ مشخص می‌شود که خودب‌تریبینی و نگاه بیرونی غربی در آثار این تاریخ‌نگار حضور پررنگی ندارد و به‌عکس نوعی شیفتگی به فرهنگ و هنر ایران در آثارش قابل شناسایی است. هرچند برخی این شیفتگی به شرق و موضوعات شرقی را نوعی عکس‌العمل رمانتیک شرق‌شناسانه دانسته‌اند و آن را در زمره آسیب‌های شرق‌شناسی دانسته‌اند، اما به نظر می‌آید این امر چندان در کار پوپ افراطی نبوده که دقت نظر و دید واقع‌بینانه او را زیر سؤال ببرد، بنابراین نه‌تنها نمی‌توان آن را به‌عنوان آسیبی در کار او ارزیابی کرد، بلکه به‌عکس جنبه مثبت کار اوست و به تفاوت او با تاریخ‌نگاران متأثر از جریان شرق‌شناسی انجامیده است. برای مثال می‌توان به تلاش او برای متفاوت نشان دادن جایگاه آریه‌ها در معماری مردم ایران و جایگاه آن در اندیشه غربی اشاره کرد. اندیشه غربی در آن زمان غالباً هنر شرق را هنری تزئینی می‌دانست، لذا از حیث هنری برای آن ارزشی قائل نبود و آن را پست می‌شمارد اما آرتور پوپ می‌کوشید نشان دهد که نگاه خالقان معماری ایران به این موضوع چیزی متفاوت از اندیشه غربی آن دوره نسبت به آن است (پوپ، ۱۳۹۰، ۱۳۴).

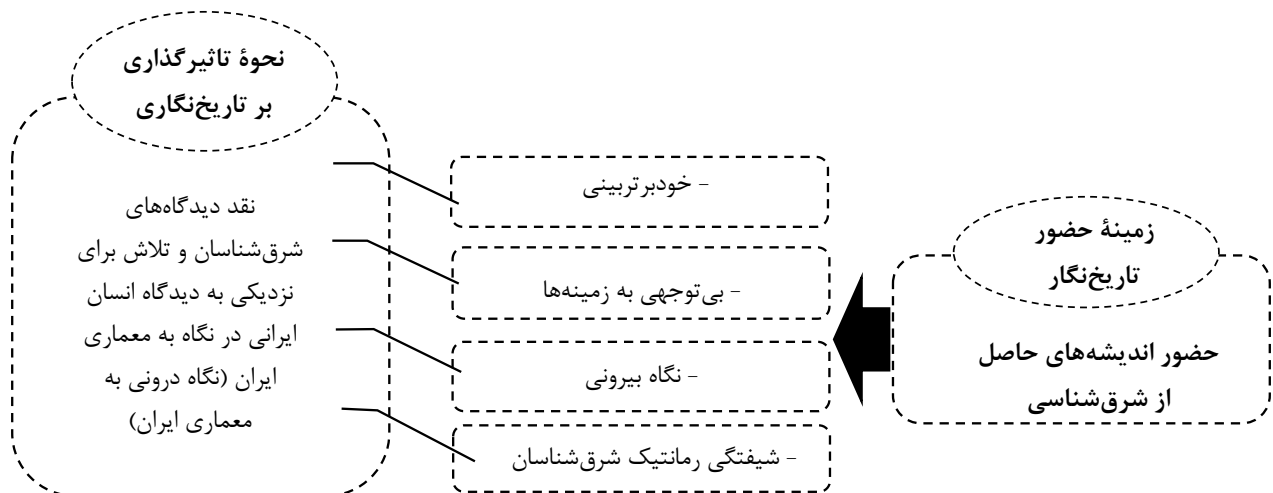
به معنای نبود اندیشه‌ها و روش‌های بومی در این حوزه است. خواهیم دید که آرتور پوپ نیز تحت تأثیر اندیشه‌ها و روش‌های حاکم در تاریخ‌نگاری غرب معماری تاریخی ایران را مورد بررسی قرار داده است.

• تجربیات شرق‌شناسان در مطالعه تاریخ و هنر ایران

نخستین مطالعات غربی‌ها در حوزه هنر و معماری ایران از جانب شرق‌شناسان صورت پذیرفت. دور از انتظار نیست که اندیشه‌های شرق‌شناسی، به‌عنوان یکی از جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری معماری ایران در زمان پوپ، تأثیراتی بر نگرش او گذاشته باشد؛ بنابراین بررسی اندیشه‌های این جریان به‌منظور شناخت تأثیرات مذکور ضروری به نظر می‌رسد (تصویر ۴).

یکی از نقدهای وارد به شرق‌شناسی این است که شرق‌شناسان در شناخت پدیده‌های شرقی نگاه از بالا به پایین داشته‌اند. شرق‌شناسان غالباً فرهنگ غرب را نسبت به شرق برتر می‌دانستند و میل آن‌ها به شناخت شرق یا به آن دلیل بود که شرق را سوژه‌ای برای کنجکاو‌های علمی خود می‌دیدند و یا به دلیل نوع نگاه ستایش‌آمیزی بود که نسبت به شرق داشتند، و این نگاه حاصل دیدگاه رمانتیک آن‌ها در ستایش جهانی به‌دور از عواقب صنعتی شدن بود که ریشه در احساسات رمانتیک روسو درباره جامعه ابتدایی و معصومیت اولیه داشت (آشوری، ۱۳۵۱، ۱۶-۱۷).

آسیب دیگر در تاریخ‌نگاری شرق‌شناسان نگاه بیرونی آن‌هاست. هرچند ممکن است چنین به نظر آید که این نوع نگاه محققان را از تعصب نسبت به موضوع مورد تحقیق دور نگه می‌دارد و باعث می‌شود که عیب و حُسن آن را بهتر ببینند و بشناسند و منصفانه‌تر داوری کنند (زرشناس، ۱۳۹۱، ۴۸)، اما همین امر سبب می‌شود که تاریخ‌نگاران با نگاهی برآمده از بستر فکری و فرهنگی خود به معماری و فرهنگ ایران بنگرد، نگاهی که با نگاه تولیدکنندگان آثار معماری این سرزمین، یعنی مردم



تصویر ۴. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها (حاصل از فرایند بررسی کدها در شیوه نظریه زمینه‌ای) بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

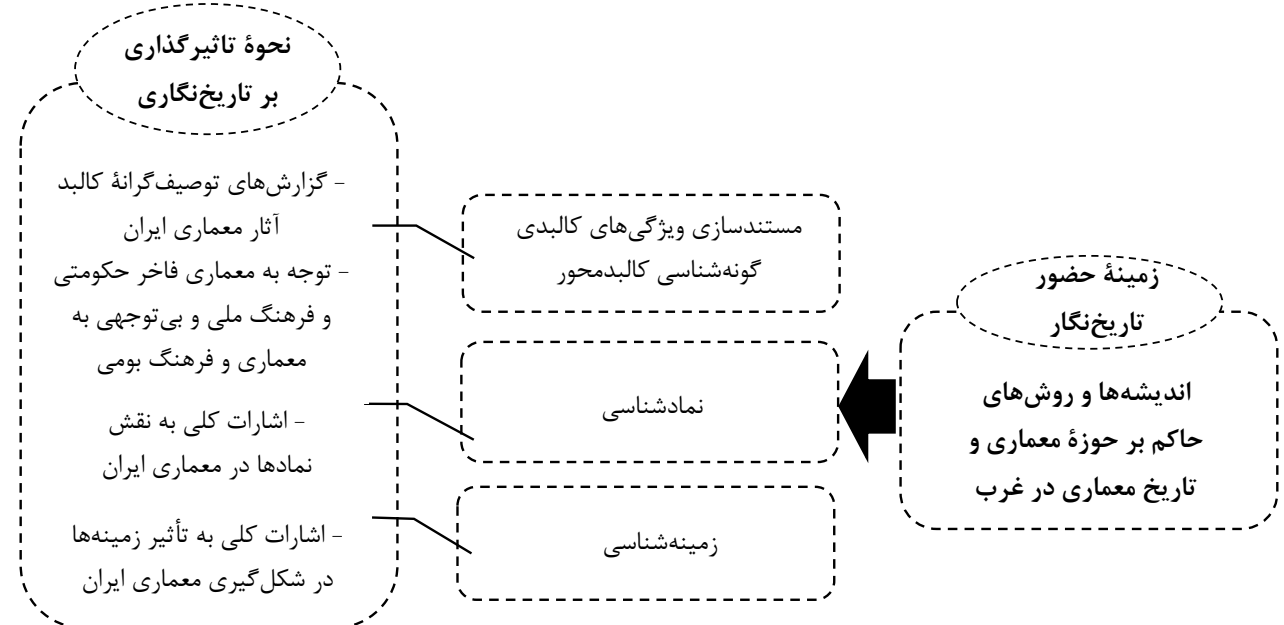
• اندیشه‌ها و روش‌های حاکم بر حوزه معماری و تاریخ معماری در غرب

تاریخ‌نگاران غربی، از جمله آرتور پوپ، زمانی که به مطالعه معماری ایران می‌پرداختند، کوله‌باری از سالیان طولانی تاریخ‌نگاری در حوزه معماری را به همراه داشتند. آن‌ها با بهره‌گیری از روش‌ها و نگرش‌های خود، که مبتنی بر گفتمان‌ها و مبانی نظری زمان شکل گرفته بود، به تاریخ‌نگاری معماری ایران پرداختند (تصویر ۵). از آن جمله یکی گفتمان پوزیتیویسم است که «در تاریخ هنر، حاکی از گزارش‌های توصیف‌گرانه محض آثار هنری، همچون کیفیت‌های صوری، تاریخ خلق آثار، نقش‌مایه‌ها و نمادها، زندگی‌نامه هنرمندان و مسائلی از این قبیل بوده است» (دالوا، ۱۳۹۴، ۱۸)؛ روش‌هایی کالبدمحور چون «گونه‌شناسی» از میراث‌های همین نوع دیدگاه محسوب می‌شوند. بررسی آثار تاریخ‌نگاری آرتور پوپ بیانگر حضور پررنگ گزارش‌های صوری از آثار معماری ایران در کار اوست؛ اما با توجه به بستر کار تاریخ‌نگار (بکربودن عرصه تاریخ‌نگاری در ایران) چندان دور از انتظار نیست که، به‌قصد مستندسازی بناهای تاریخی، بخش اعظم مطالعات او را گزارش‌های توصیف‌گرانه تشکیل داده باشد. توضیح وضعیت کنونی بنا، به همراه ارائه تصاویر مختلف از بنا، ثبت و معرفی انواع شیوه‌های تزئینی و انواع روش‌ها و فنون ساختمانی، از جمله مواردی است که در این راستا در آثار پوپ دیده می‌شود. آرتور پوپ روش گونه‌شناسی را به‌عنوان روش اصلی کارش مورد استفاده قرار نمی‌دهد و حتی آن را روشی نارسا در شناخت معماری ایران می‌داند (پوپ، ۱۳۹۰، ۲۳۶). او فقط

به‌صورت جداگانه برخی آثار معماری ایران را، که وی «بناهایی ناشی از ضرورت‌ها» می‌نامندشان، در قالب گونه‌شناسی بررسی کرده است. نکته‌ای که در اینجا لازم است بدان اشاره کنیم این است که گونه‌ای از معماری ایران که مورد توجه آرتور پوپ است معماری حکومتی است، و معماری بومی در دایره مطالعات او نمی‌گنجد.

در آن زمان گفتمان‌های دیگری نیز در حوزه تاریخ‌نگاری معماری و هنر غرب در جریان بود، همانند آیکونولوژی، آیکونوگرافی، و نشانه‌شناسی که از توصیفات صوری فاصله داشت و به معنای آثار هنری توجهی ویژه می‌کرد. در آثار پوپ نیز بررسی نمادها در شکلی ابتدایی دیده می‌شود. او در بحث از تزئینات معماری ایران هم به معرفی برخی اشکال نمادین پرداخته و هم برخی عناصر و اشکال معماری ایران را نمادین دانسته است. از سوی دیگر، حضور نمادهای کهن در معماری یک سرزمین خود دلیلی بر تداوم فرهنگی و هنری آن سرزمین است؛ و پوپ که معتقد به تداوم فرهنگی و هنری سرزمین ایران بود حضور نمادها را در معماری ایران و به‌خصوص تزئینات آن، که عرصه مناسبی برای بازتاب انواع صور نمادین و کهن فرهنگ ایران است، پیگیری کرده است. البته باید گفت که نمادشناسی خود به‌عنوان یک روش در تاریخ هنر مطرح است و نیازمند مطالعات گسترده خاص خود است که در آن زمان در فرصت محدود پوپ نمی‌گنجیده است.

زمینه‌شناسی هنر نیز در دوران تاریخ‌نگاری آرتور پوپ در فضای آکادمیک غرب ناشناخته نبود (دالوا، ۱۳۹۴، ۶۳) و پوپ صرفاً نیم‌نگاهی به زمینه‌های شکل‌گیری معماری ایران



تصویر ۵. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها (حاصل از فرایند بررسی کدها در شیوه نظریه زمینه‌ای) بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

بی‌توجهی به فرایند تولید معماری به‌عنوان فرآورده‌ای فرهنگی دانست (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴، ۳۰)؛ اما از نظر پوپ «معماری چیزی بیش از ساختار مادی، حتی بیش از یک شکل زیباشناختی چشمگیر است. معماری در عین حال نمایش منظر فرهنگی آن زمان با گذشته‌هاست...» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۱۱۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نوع نگاه پوپ به معماری نگاهی صرفاً مادی نیست و هرچند در آثارش از دستاوردهای باستان‌شناسان به‌عنوان منبع بهره می‌گیرد، اما تاریخ‌نگاری او به‌کلی بی‌توجه به کیفیات معماری نیست (تصویر ۶). برخلاف باستان‌شناسان، پوپ در توصیف جزئیات کالبدی بناها افراط نمی‌کند و آن را از حال و هوای معمارانه خارج نمی‌کند. در کار او حتی اندکی توصیفات فضایی می‌بینیم که جنبه نوآورانه کار او در آن زمان تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، توصیف فضایی پوپ از مقبره شیخ عبدالصمد در نطنز جالب توجه است (پوپ، ۱۳۹۰، ۲۱۹)، هرچند باید دانست که وی به دیگر ویژگی‌های معمارانه بناهای تاریخی ایران همچون تمهیدات اقلیمی و نحوه ارتباط فرهنگ و سبک زندگی با کالبد بی‌توجه بوده است.

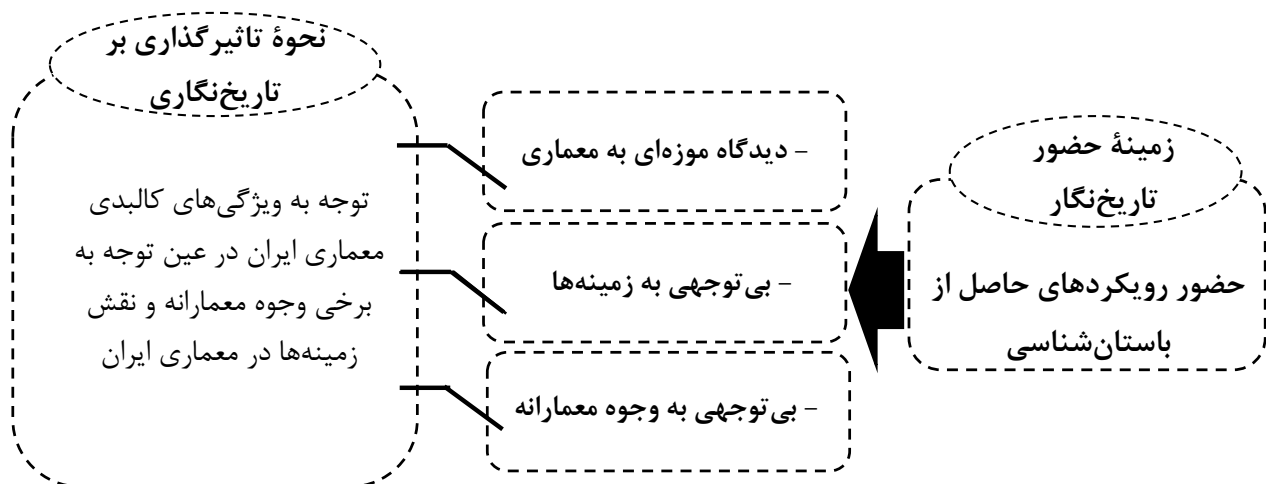
بحث

همان‌گونه که ذکر آن رفت، پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص موضوع این پژوهش بسیار اندک‌اند و، در میان معدود پژوهش‌های مرتبط، تنها قیومی بیدهدندی (۱۳۸۴) است که بر اهمیت بررسی روش و نگرش آرتور پوپ تأکید کرده است. به‌علاوه، زمینه‌های خاص شکل‌گیری نگرش این تاریخ‌نگار و آثار آن در عمل وی مورد توجه پژوهشگران نبوده است. اما در این مقاله بر آن تأکید شد که دستاورد مطالعات پوپ با روش و نگرش او درباره معماری ایران مرتبط است؛ و روش و نگرش وی از اقتضات زمانه و بستر دوره فعالیت او متأثر

داشته است، به این شکل که در بررسی معماری دوره‌های حکومتی، در ابتدای هر بخش، شرحی از اوضاع آن زمانه آورده است؛ اما ارتباط میان زمینه‌ها و شکل‌گیری معماری آن دوره صورتی کلی و اجمالی دارد. پوپ، در بخش‌هایی از آثارش که تأثیر فرهنگ بر معماری ایران را تبیین می‌کند، برای شناخت فرهنگ ایران، به شعر و ادبیات ایرانی به‌عنوان منبعی برای شناخت توجه نشان داده است. به عبارت دیگر، منابعی که او در مطالعه معماری ایران مورد استفاده قرار داده نشانگر توجه او به زمینه‌های شکل‌گیری معماری ایران است. بی‌شک بهره‌گیری از کتاب‌های تاریخی و ادبی ایران به‌عنوان منابعی برای شناخت تاریخ و هنر ایران در افق نگاه او قرار داشته است، هرچند اشارات او به فرهنگ بسیار کلی، فاقد نظم، پراکنده و بدون مدارک مستدل است و بر تشخیص و تعبیر خود تاریخ‌نگار تکیه دارد. بنابراین کوشش او در بررسی این حوزه تنها محدود به توجهی اولیه است که نظر مخاطب را به تأثیر چنین عواملی بر معماری ایران جلب می‌کند، اما برای پرداختن به این بُعد بااهمیت تاریخ‌نگاری کافی نیست. دلیل این امر را می‌توان نوپابودن تاریخ‌نگاری معماری ایران در زمان تاریخ‌نگار دانست که سبب شده تاریخ‌نگار، از میان انبوه موضوعات بررسی‌نشده در باب تاریخ معماری ایران، مجبور به مطالعه موضوعاتی شود که از نظر او در نقطه آغازین تاریخ‌نگاری معماری ایران در اولویت بالاتری قرار داشته‌اند.

• تجربیات باستان‌شناسان در مطالعه معماری ایران

علم باستان‌شناسی در ایران عمر دیرپایی ندارد، و بخش قابل توجهی از این عمر کوتاه کمتر از یک سده نیز در اختیار باستان‌شناسان خارجی قرار داشته است (کیانی، ۱۳۸۳، ۴۷). ویژگی عمده تاریخ‌نگاری متأثر از نگرش باستان‌شناسان در آن زمان را می‌توان نگاه موزه‌ای و جزءنگرانه به معماری و بی‌توجهی به فضا به‌عنوان اساسی‌ترین وجه معماری و



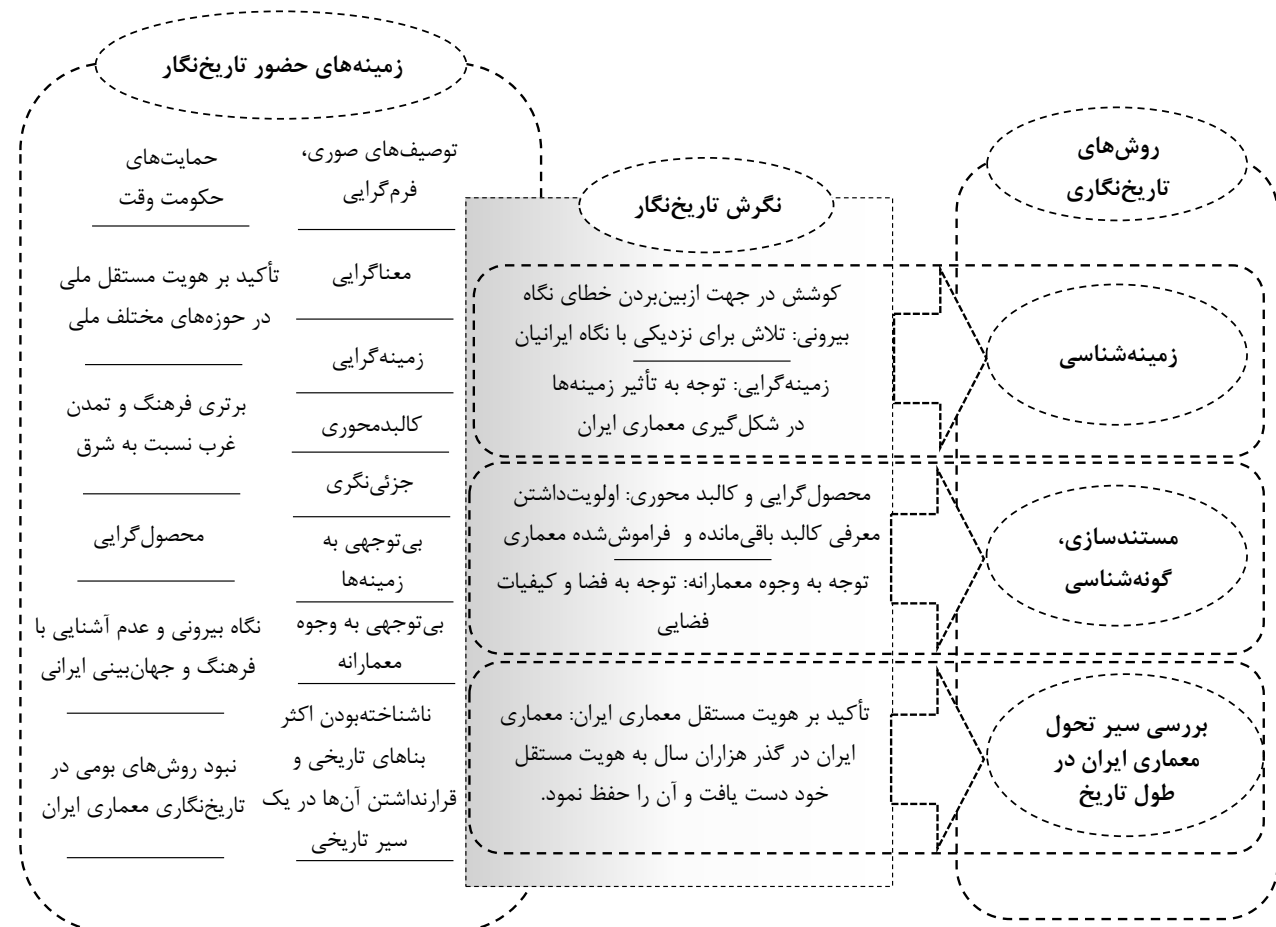
تصویر ۶. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها (حاصل از فرایند بررسی کدها در شیوه نظریه زمینه‌ای) بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

هرچند پوپ از اهمیت تأثیر زمینه‌ها بر فرایند تولید معماری آگاه بود و به شناخت نمادها توجه نشان می‌داد، اما فرصت تعمیق در آن‌ها را پیدا نکرد. البته تلاش‌های او به‌عنوان گام‌های مقدماتی در این حوزه در آن زمانه قابل اعتناست. با این وصف، روش مستندسازی روش عمده‌ای است که او در کار خود به کار می‌گیرد، و نتیجه آن تولید تاریخ‌نامه‌ای غالباً کالبدمحور است، هرچند در این بین برخی وجوه کالبدی مهم، مثلاً تأثیر اقلیم بر شکل‌گیری کالبد، نادیده گرفته می‌شود. اگرچه کالبدمحوری یادآور تجربیات باستان‌شناسان در مطالعه معماری ایران در زمانه کار اوست، اما نگاه پوپ برخلاف نگاه باستان‌شناسان زمانه‌اش صرفاً مادی نیست و او به تأثیر زمینه‌ها توجه دارد و توصیفات فضایی و توجه به کیفیات فضا هرچند محدود در کار او دیده می‌شود. زمینه دیگر کار او وجود تجربیات شرق‌شناسان است. نگرش پوپ با نگرش خودبتربینی شرق‌شناسان فاصله داشت. او سعی داشت ادراکی نزدیک‌تر به نگاه ایرانیان را در آثارش عرضه کند. دستاورد مطالعات پوپ با این نگرش‌ها و روش‌ها تصویری است که او از معماری ایران ارائه داده است. این تصویر در آنجا که به مستندسازی آثار تاریخی می‌پردازد رنگ و بویی پررنگ‌تر دارد

است. در این پژوهش، پنج بستر اصلی برای کار آرتور پوپ مورد شناسایی واقع شد و تأثیرات زمینه‌ها در تاریخ‌نگاری او مورد بررسی قرار گرفت (تصویر ۷).

نتیجه‌گیری

شرایط سیاسی و اجتماعی سرزمین ایران در دوره فعالیت آرتور پوپ به نحوی بود که اندیشه‌های ملی‌گرایانه، به‌خصوص در جامعه روشنفکران و ملی‌گرایان و از جانب حکومت، به اوج خود رسید. این امر از سویی موجب شد که از جانب حکومت شرایط، امکانات و تسهیلات مناسبی برای فعالیت‌های او در زمینه شناخت و معرفی آثار تاریخی ایران فراهم شود، و از سوی دیگر عطش هویت‌طلبی را به همراه داشت؛ پوپ این عطش را بی‌پاسخ نگذاشت و بر هویت مستقل معماری ایران تأکید کرد. در مقابل، زمینه دیگر یعنی بکر بودن عرصه تاریخ‌نگاری معماری ایران کار او را با دشواری روبه‌رو ساخت و آن را به لایه‌های سطحی شناخت معماری ایران محدود کرد، تا حدی که او مستندسازی انبوه بناهای فراموش‌شده تاریخی ایران، دسته‌بندی آن‌ها در یک سیر تاریخی و مطالعه بناهای فاخر حکومتی را در اولویت قرار داد.



تصویر ۷. ارتباط بستر حضور تاریخ‌نگار با نگرش‌ها و روش‌های او. مأخذ: نگارندگان.

- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۵۵). *هنر ایران در گذشته و آینده* (ترجمه عیسی صدیق). تهران: مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات.
- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران* (ج. ۳) (ترجمه نجف دریابندری و دیگران). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۹۰). *معماری ایران* (ترجمه غلامحسین صدیقی افشار). تهران: دات.
- خوئی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *چیستی تاریخ معماری و جایگاه آن در فهم و ایجاد آثار معماری*. گلستان هنر، ۲(۶)، ۲۷-۲۰.
- دالوا، آن. (۱۳۹۴). *روش‌ها و نظریه‌های تاریخ هنر* (ترجمه آناهیتا مقبلی و سعید حسینی). تهران: فخرآکیا.
- زرشناس، زهره. (۱۳۹۱). *درآمدی بر ایران‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طهماسبی، احسان. (۱۳۸۶). *بررسی روش پوپ در تاریخ‌نویسی معماری ایران*. گلستان هنر، ۷(۳)، ۶۴-۵۵.
- غلام‌دوست، مهتاب. (۱۳۹۱). *جایگاه قانون عتیقات و حفريات تجاری در باستان‌شناسی ایران*. در *مجموعه مقالات هشتمین سال باستان‌شناسی ایران* (ج. ۱) (صص. ۱۱-۴۸). تهران: پایزنه.
- قیومی بیدهندي، مهرداد. (۱۳۸۴). *بررسی انتقادی چهار تاریخ‌نامه معماری ایران*. خیال، ۴(۱۵)، ۳۶-۴.
- کانوی، هیزل و رونیش، راونن. (۱۳۸۴). *تاریخ معماری چیست؟* (ترجمه حمیدرضا خوئی). گلستان هنر، ۱(۲)، ۳۶-۲۴.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران ۱۳۲۰-۱۳۹۹*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- گلیجانی مقدم، نسرين. (۱۳۸۴). *تاریخ‌شناسی معماری ایران: طرح رویکردی جدید با توجه به کاستی‌های تاریخ‌نگاری معماری ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- مهدی‌زاده، سارا و حناچی، پیروز. (۱۳۹۵). *نقش معماران و باستان‌شناسان غربی در مرمت بناهای تاریخی ایران در دوران پهلوی* (۱۳۵۷-۱۳۰۴). نشریه هنرهای زیبا، ۲۱(۳)، ۱۴-۵.
- میرسعیدی، معصومه. (۱۳۷۵). *آرتور آپهام پوپ*. در *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

و زمانی که به زمینه‌ها و فرایند شکل‌گیری معماری می‌پردازد صورتی ابتدایی‌تر دارد که بیشتر به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای کار تاریخ‌نگاران در آینده قابل اعتناست. در نبود اندیشه‌ها و روش‌های بومی در حوزه تاریخ‌نگاری معماری ایران و حضور پرسابقه و پرننگ اندیشه‌ها و روش‌های حاکم بر حوزه معماری و تاریخ معماری در غرب، آرتور پوپ تحت تأثیر اندیشه‌ها و روش‌های حاکم در تاریخ‌نگاری غرب معماری ایران را مورد بررسی قرار داد. او در دورانی به مطالعه معماری ایران پرداخت که از یک طرف دیدگاه‌های پوزیتیویستی طرفدار گزارش‌های توصیفی بسیار رواج داشت و از طرف مقابل دیدگاه‌هایی چون نشانه‌شناسی پدیدار شده بود که در آثار هنری به دنبال معنا و به دنبال زمینه‌های شکل‌گیری آثار هنری بودند؛ تبیین دقیق نمود این زمینه‌ها در معماری ایران، به‌غیر از توصیفات صوری، در سایر موارد از عهده پوپ خارج بوده و به شکلی ناقص و به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای مطالعات تاریخ‌نگاران در آینده رها شده است.

پی‌نوشت

1. Grounded Theory

۲. به دلیل حجیم‌بودن کدها، امکان ارائه تمامی کدها در این مقاله محدود فراهم نیست. ضمن آنکه در پژوهش‌هایی از این دست این امر مرسوم نیست. جداول صرفاً برای نشان‌دادن صحت مراحل کدگذاری توسط پژوهشگران ارائه شده‌اند.

۳. بخشی از این سخنرانی: «هنر ایرانی بزرگ‌ترین سرمایه این کشور است؛ زیرا نه فقط ثروت و حیثیت برای آن به وجود آورده، بلکه در هر دوره و هر جا برای ایران دوستان زیادی ایجاد کرده است و امروز هیچ مملکت متمدنی نیست که مجموعه‌هایی از آثار هنری ایران نداشته باشد ... ایران که در ایجاد هنرهای اسلامی، مادر و نیروی الهام‌بخش بوده هنوز فاقد مجموعه مهمی از بهترین کارهای بزرگ خود است. با وجود صدور بی‌اندازه زیاد کارهای هنری بزرگ از ایران به تمام جهان، باز هم کارهای بزرگ عالی در ایران در دل خاک وجود دارند که هنوز به دست نیامده‌اند» (پوپ، ۱۳۵۵، ۵۴).

فهرست منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۵۱). *ایران‌شناسی چیست؟* و چند مقاله دیگر. تهران: آگاه.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ادیب‌زاده، سودابه؛ عباسی هرفته، محسن و امین‌پور، احمد. (۱۴۰۰). واکاوی کیفیت شناخت آرتور پوپ از معماری ایران با استناد به آثار مکتوب تاریخ‌نگاری او. *باغ نظر*، ۱۸(۹۵)، ۸۴-۷۵.



DOI: 10.22034/BAGH.2020.207259.4353
http://www.bagh-sj.com/article_128761.html